



بررسی گزاره «إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبْسَ الْمَطَرُ...» در حدیث رضوی

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵
محمد ابراهیم روشن ضمیر^۱، علی اکبر حبیبی مهر^۲

چکیده

فهم درست روایات معصومان (علیهم السلام) به عنوان مهم ترین رسالت حدیث پژوهان، تنها با نگاه همه جانبه به آن ها و با در نظر گرفتن اموری مانند تشکیل خانواده حدیثی، عرضه بر قرآن، در نظر داشتن سنن الهی، تجربیات بشری و... امکان پذیر است. بسیاری از خطاها و لغزش های معرفتی ناشی از نبود نگاه جامع به مجموعه منابع دینی (کتاب، سنت و عقل) است. این جستار با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای و بهره گیری از تجربیات بشری، بر آن است که فراز «إِذَا كَذَبَ الْوَلَاءُ حُبْسَ الْمَطَرُ» در یکی از روایات منسوب به حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را بررسی کند. این حدیث که از نظر سندی معتبر ارزیابی می شود، دروغگویی حاکمان جامعه را یکی از عوامل نباریدن باران معرفی می کند. این نوشتار در پی آن است به این سؤال پاسخ دهد که چرا به خاطر گناه گروهی اندک، انسان ها و موجودات بسیاری که هیچ نقشی در آن گناه نداشته اند، باید مجازات شوند. آیا می توان افراد را به خاطر گناه دیگران مؤاخذه کرد؟ تحلیل این فقره از روایت با تشکیل خانواده حدیثی و عرضه بر قرآن، این نتیجه را به دست می دهد که هر کس مسئول رفتار خویش است و گناه کسی به پای کس دیگر نوشته نمی شود. بنابراین، اگر مردمی به خاطر گناه حاکمان دچار تنگنای معیشت می شوند، از آن جهت است که به وظیفه خود در برابر حاکمان عمل نکرده اند و با سکوت تأیید آمیز خود، در رفتار ناپسند آنان شریک هستند.

کلیدواژه ها: خشکسالی، حدیث رضوی، نباریدن باران، دروغگویی حاکمان، وظیفه مردم در برابر حاکمان.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول): Roushan1344@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی: aliaakbarhabibiyimehr@gmail.com

درآمد

روایات موجود در منابع حدیثی که سنت اهل بیت (علیهم السلام) را برای ما گزارش می‌کند، گسترده‌ترین منبع دریافت آموزه‌های دینی است. دستیابی به تفصیل بسیاری از آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی و جزئیات احکام شرعی جز از طریق روایات امکان‌پذیر نیست. لذا، فرقه‌های اسلامی اغلب با وجود اختلاف نظر در موضوعات متعدد، برای دریافت آموزه‌های دینی به روایات استناد می‌کنند. البته، درباره روایاتی که سنت را برای ما گزارش می‌کنند، بحث‌های فراوانی میان حدیث‌پژوهان فریقین در سه محور اعتبار، صدور و فهم آن‌ها در جریان بوده و هست.

روایات در چند محور با چالش روبه‌روست. برخی از این چالش‌ها عبارتند از: الف) جعل و وضع ب) نقل به معنی ج) اختلاف نسخه‌ها د) تعارض ه) تقطیع و از بین رفتن قراین و شواهد زبانی و مکانی و ...

برای مقابله با این چالش‌ها پیش از هر چیز باید از وجود حدیث در منابع دینی اطمینان حاصل شود زیرا سخنان بسیاری به‌عنوان روایت شایع هستند که هیچ نشانی از آن‌ها در کتاب‌های حدیثی پیشین و پسین نیست. البته، روشن است که با اطمینان از وجود روایت در منابع روایی، نسبت به صدور آن اطمینان حاصل نمی‌شود. برای دستیابی به این هدف، باید به بررسی سندی و محتوایی حدیث پرداخت.

الف) حدیث‌پژوهان برای اطمینان از صدور روایات و بازشناسی روایات استوار و درست از روایات برساخته، به گسترش دانش درایه و رجال روی آوردند و با دقت و وسواس، سلسله راویان سند روایات را مطالعه و بررسی کرده‌اند. البته، روشن است که بررسی و نقد سندی روایت تنها می‌تواند چالش مربوط به جعل و وضع را چاره‌کنند و برای علاج دیگر موارد، کارساز نیست.

ب) بررسی و نقد محتوایی: بررسی محتوایی و نقد درونی روایات با عرضه بر قرآن، سنت و عقل، تشکیل خانواده حدیثی، حل تعارض‌های روایات، جمع قراین، عرضه بر

نسخه‌های متعدد و... می‌تواند تا حدودی چالش‌های دیگر را مرتفع سازد.

بر این اساس، در این جستار کوشیده‌ایم فرازی از روایت منسوب به حضرت رضا (علیه السلام) را که در آن دروغ‌گویی حاکمان یکی از علل محرومیت آدمیان از باران معرفی شده، سندی و محتوایی مورد بررسی قرار دهیم.

«قَالَ [الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ] أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُلُوبِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَاسِرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (عليه السلام) قَالَ: إِذَا كَذَبَ الْوَلَاةُ حُبَسَ الْمَطْرُ وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ وَإِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۱۰).

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: چون والیان دروغ گویند، باران نبارد و چون فرمانروا ستم پیشه کند، پایه‌های دولت‌ش سست گردد (و دولت‌ش از چشم مردم افتد) و چون از زکات منع گردد، چهارپایان می‌میرند.

پیشینه

با بررسی مقالات و پایگاه‌های اینترنتی، درباره تأثیر دروغ‌گویی حاکمان بر نیامدن باران و خشکسالی، پژوهشی مشاهده نشد. البته، مقالاتی درباره تأثیر گناه در بروز حوادث و بلایای طبیعی به‌طور عام و نیامدن باران و خشکسالی به‌طور خاص، به نگارش درآمده است. حکمت پناه (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی علل وقوع بلایا و حوادث طبیعی از دیدگاه قرآن و احادیث»، حاجی‌خانی و جلیلیان (۱۳۹۵) در مقاله «واکاوی عوامل معنوی بارش باران از نگاه قرآن» و رستمی (۱۳۸۹) در مقاله «باران در روایات» برخی از عوامل معنوی نیابیدن باران را برشمرده‌اند؛ اما در هیچ‌کدام از این مقالات به موضوع «دروغ‌گویی حاکمان» به‌عنوان عامل خاص نیابیدن باران اشاره نشده است. این جستار با بررسی سندی روایت، تشکیل خانواده حدیثی، عرضه روایت بر قرآن و استفاده از

تجربیات بشری، درصدد پاسخ به این پرسش است که چرا باید به خاطر دروغگویی حاکمان، مردمان و موجوداتی مجازات شوند که به ظاهر هیچ نقشی در آن نداشته‌اند.

۱. بررسی سندی

دیرینه‌ترین منبعی که این روایت در آن آمده «امالی» شیخ مفید است. شیخ طوسی نیز آن را با همین سند، در امالی خودش، به نقل از شیخ مفید، آورده است (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۷۹). جوامع متأخر حدیثی، آن را به نقل از امالی شیخ مفید، امالی شیخ طوسی و مجالس فرزند شیخ طوسی آورده‌اند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷: ۳۷۳؛ ج ۸: ۳۳۰؛ ج ۹: ۱۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۱۸۸).

هرچند این حدیث از سند معتبری برخوردار است^۱؛ این روایت در منابع حدیثی قبل از کتب اربعه (محاسن برقی، بصائر الدرجات و ...)، کتب اربعه حدیثی (الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الأحکام، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار) و کتاب‌های هم‌عصر کتب اربعه مانند عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، علل الشرائع^۲ و... نیامده است.

۲. بررسی محتوایی

آنچه از ظاهر روایت برمی‌آید این است که دروغگویی حاکمان باعث نیامدن باران است (معنای مطابقی آن به اصطلاح اهل منطق). اما اندکی تأمل در این روایت (به عبارت دیگر، توجه به مفهوم التزامی آن) این نتیجه را به دست می‌دهد:

۱. محمدبن محمدبن نعمان (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۹) و جعفر بن محمد بن قولویه و پدرش (همان: ۱۲۴) امامی و ثقه هستند؛ همان‌گونه که سعد بن عبدالله قمی (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۲۱۵)، احمد بن محمد بن عیسی (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۲) و حسین بن سعید اهوازی (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۰) امامی و ثقه هستند. و یاسر که همان مولی حمزه بن الیسع می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۵۳) امامی و ثقه است. (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۳۵۳) از این رو، این حدیث از جهت سند صحیح ارزیابی می‌شود.

۲. عدم یادکرد این روایت در دو کتاب «عیون اخبار الرضا (علیه السلام)» و «علل الشرائع» از آن جهت جای شگفتی و سؤال دارد که اولی به روایات حضرت رضا (علیه السلام) اختصاص دارد و دومی روایات مربوط به علل احکام و برخی حوادث را جمع کرده است، بنابراین انتظار بود که این روایت از آن جهت که منسوب به حضرت رضا (علیه السلام) و نیز مربوط به علل برخی حوادث است، در این دو کتاب می‌آمد.

الف) گناه (یا دست کم برخی گناهان) موجب محرومیت مردمان از برخی نعمت‌ها می‌شود؛
 ب) یکی از نعمت‌هایی که گناه باعث محرومیت از آن می‌شود، نعمت باران است؛
 ج) دروغ‌گویی حاکمان علت محرومیت از نعمت باران است یا دست کم یکی از علل محرومیت از نعمت باران، دروغ‌گویی حاکمان و دست‌اندرکاران جامعه است.
 هرچند معارف دین را مجموعه‌ای از متون و گزاره‌های به‌ظاهر پراکنده و گسیخته تشکیل می‌دهد، اما از آنجاکه همه آن‌ها از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند، سمت‌وسوی واحدی دارند و از هماهنگی درونی برخوردارند. بنابراین، برای فهم مراد روایات، باید تمام روایات مربوط به آن موضوع را بررسی و مطالعه و سپس آن را بر قرآن عرضه کرد. البته، نباید از سنت‌های تکوینی الهی و تجربیات بشری غافل شد.
 بسیاری از خطاها و لغزش‌های معرفتی، ناشی از نبود نگاه جامع به مجموعه منابع دینی (کتاب، سنت و عقل) است.

۲-۱. تشکیل خانواده حدیثی

یکی از معیارهای فهم و شناسایی احادیث درست از احادیث برساخته، نگاه مجموعی به همه روایات و به اصطلاح تشکیل خانواده حدیث است. تشکیل خانواده حدیث یعنی گردآوری تمام احادیث پیرامون یک موضوع و چینش دقیق و منطقی این روایات به‌همراه کشف روابط میان آن‌ها، نقشی مهم در فهم مراد واقعی روایات و جلوگیری از خطاهای معرفتی دارد. در نتیجه، احادیثی که به تناسب شرایط دچار گسست شده‌اند، بار دیگر کنار هم قرار می‌گیرند و سیمای واحدی از دین ارائه می‌دهند.

۱. احادیث بسیاری بر ارتباط گناه و برخی محرومیت‌ها و دشواری‌ها (عذاب‌های دنیوی) وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۶۹ و ۲۷۶؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۲۲؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۶۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴: ۲۳۲).

۲. در برخی روایات تصریح شده است که برخی گناهان سبب محرومیت از نعمت باران می‌شود «... وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۷۲؛ نک: برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۵۸۶، ح ۸۵). این روایات را با توجه به مخاطب آن‌ها، می‌توان در سه گروه دسته‌بندی کرد:

الف) روایاتی که مخاطب آنان مردم است و به آن‌ها تذکر می‌دهد که از انجام پاره‌ای از گناهان خودداری کنند تا دچار بی‌بارانی نشوند. امام رضا (علیه السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) گزارش می‌کنند که آن حضرت فرمود: «امت من همواره در خیر و نیکی هستند تا آن هنگام که به یکدیگر محبت ورزند، به همدیگر هدیه دهند، امانت را تحویل دهند، از حرام کناره گیرند، نماز را بر پا دارند و زکات را بپردازند. پس هنگامی که این اعمال را ترک کنند، به خشکسالی و قحطی گرفتار آیند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۹). برخی از دیگر گناهانی که از نظر روایات، در خشکسالی مؤثرند عبارتند از: کم‌فروشی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۷۴)؛ سخن‌چینی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۲۶۸)؛ ندادن زکات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۷۴)؛ فاش کردن اسرار امامان (علیه السلام) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۱۲)؛ بغض نسبت به امام علی (علیه السلام) (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۴۸)؛ ارج نهادن و بی‌احترامی کردن به نان به‌گونه ناسپاسی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴: ۳۸۴)، کاهلی در رفتن به میدان نبرد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۱۲۹) و به‌طور کلی آن دسته از گناهانی که تمرّد انسان نسبت به خداوند به‌شمار آید (متقی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۷: ۸۳۳، ح ۲۱۵۹۳) یا خشم الهی را برانگیزد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۱۷).

ب) روایاتی که مخاطب آنان قضات و دادرسان هستند. شیخ صدوق در سندی متصل از امام صادق (علیه السلام) آورده است «هنگامی که چهار گناه آشکار گردد، چهار چیز هوبدا می‌شود... هنگامی که قاضیان در قضاوت ستم نمایند؛ آسمان از باریدن بایستد...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۴۲)؛ روایات دیگری نیز با این مضمون و محتوا وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۴۸).

ج) روایاتی که مخاطب آنان حاکمان و فرمانروایان هستند، در مجموعه روایات امامیه، تنها

یک روایت دربارهٔ رابطه دروغگویی حاکمان و خشکسالی (همین روایت مورد بحث) وجود دارد. البته، در منابع اهل سنت روایاتی دربارهٔ رابطه ستم حاکمان (به خصوص دروغگویی آن‌ها) و بخیل شدن آسمان (شعیری، بی تا: ۱۸۰) یا خشکسالی «... وَإِذَا جَارَتْ الْوَالِدُ قَحَطَتِ السَّمَاءُ...» (سیوطی، بی تا، ج ۱: ۴۹۶، ح ۴۸۱۶) دیده می‌شود.

۳. با در نظر گرفتن سایر روایات، این نتیجه قابل دستیابی است که ملازمه‌ای قطعی و دائمی بین پربارانی و خوب بودن انسان‌هایی که بر آن‌ها باران می‌بارد وجود ندارد، زیرا ممکن است سنت استدراج (نهج البلاغه: حکمت ۲۵) یا املاء (همان: حکمت ۱۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴: ۲۳۴) یا غیر آن در کار باشد؛ همچنان که ملازمه‌ای قطعی بین کم‌بارانی و بدکار بودن انسان‌هایی که از باران محروم شده‌اند، وجود ندارد؛ زیرا امکان دارد برای امتحان باشد (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۵۲-۲۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴: ۲۲۶ و ۲۳۵)، آن چنان که گفته شده «هر که در این بزم مقرب تراست، جام بلا بیشترش می‌دهند» یا از نشانه‌های آخرالزمان باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۴۵۳)، یا به جهت مصلحتی الهی باشد که بندگان از آن بی‌خبرند (همان، ج ۶۴: ۲۳۵، ح ۵۲).

بنابراین، گناه می‌تواند به‌عنوان جزئی از علت نیامدن باران یعنی مقتضی برای نیامدن باران مدنظر قرار گیرد که اگر سایر اجزای علت (شرایط و نبود مانع) محقق شد، نتیجه آن که خشکسالی است محقق خواهد شد، نه اینکه گناه علت تامه نیامدن باران و خشکسالی باشد. همین سخن دربارهٔ رابطه میان نیک‌کرداری و ترسالی نیز صادق است.

۲-۲. بررسی محتوایی حدیث در آینه آیات

چنان که پیش از این گفته شد، عرضهٔ حدیث بر قرآن یکی از معیارهای بازشناسی روایات سره از ناسره است که مورد پذیرش حدیث‌پژوهان پیشین و پسین است. لذا شایسته است پیش از بررسی محتوایی این فراز از روایت، دیدگاه قرآن دربارهٔ تأثیر گناه در محرومیت از برخی نعمت‌ها و چگونگی آن را مطالعه کنیم.

۱. از نگاه قرآن، این آموزه اعتقادی که همه نعمت‌ها از جمله باران از جانب خداوند است، جای تردید ندارد و دهها آیه بر آن دلالت دارد: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ»^۱ (حجر/ ۲۲)؛ «أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ»^۲ (واقعه/ ۶۸ و ۶۹)؛ «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ»^۳ (نحل/ ۱۰).

۲. خداوند آنچه از نعمت‌ها در زمین و آسمان است، برای بهره‌برداری انسان آفریده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» (بقره/ ۲۹؛ نک: انعام/ ۹۷؛ یونس/ ۵۷؛ نحل/ ۵، ۷۲ و ۸۱؛ طه/ ۵۳؛ روم/ ۲۱؛ فرقان/ ۴۷؛ غافر/ ۶۴ و ۷۹؛ زخرف/ ۱۲؛ ملک/ ۱۵؛ نوح/ ۱۲ و ۱۹).

۳. با وجود اینکه همه نعمت‌ها برای انسان آفریده شده اما از نظر قرآن، ممکن است بر اثر برخی گناهان، این نعمت‌ها از انسان گرفته شود. برخی از عوامل که سبب محرومیت انسان از برخی نعمت‌ها می‌شوند، عبارتند از:

الف) کفر (کفران نعمت): قرآن در آیاتی از سوره سبأ به قومی اشاره می‌کند که بر اثر کفران، از نعمت‌هایی که در اختیار آنان بود، محروم شدند: «ذَلِكَ جَزَاءُكُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ» (سبأ/ ۱۷)؛^۴ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/ ۷).

ب) بخل: قرآن در آیات ۱۷ تا ۲۳ سوره قلم، از جمعی سخن می‌گوید که تصمیم گرفتند سنت حسنة پدرشان در کمک به مستمندان را ترک کنند و آنان را از میوه باغ خود محروم کنند. شب‌هنگام که همه آن‌ها در خواب بودند، عذاب و بلایی فراگیر از ناحیه پروردگار بر باغ فرود آمد؛ به‌گونه‌ای که جز مشتی خاکستر از آن باقی نماند.

۱. ما بادهای آبیستن‌کننده را فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را بدان سیراب ساختیم و شما را نرسد که خازنان آن باشید.
 ۲. آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید؟ آیا شما آن را از ابر فرو می‌فرستید یا ما آن را نازل می‌کنیم؟
 ۳. فقط خداست که آب را از آسمان فرو می‌فرستد (نک: بقره/ ۲۲).
 ۴. این را به‌خاطر کفرشان به آن‌ها جزا دادیم و آیا جز کفران‌کننده را را به چنین مجازاتی کیفر می‌دهیم.

ج) نخواستن یتیم، عدم تشویق یکدیگر بر اطعام مسکین، چپاول میراث دیگران و عشق وافر به ثروت: در آیات ۱۵ تا ۲۰ سوره فجر آمده است که اگر انسان در اثر امتحان، وفور نعمت بر او تنگ گردد او بر این باور می‌رود که خداوند او را ارج نمی‌نهد، در حالی که دلیل اصلی کاستن از نعمت‌ها، عوامل یادشده است.

شهید مطهری آیاتی مانند «ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال/ ۵۳) یا «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/ ۱۱) را یک اصل اساسی می‌داند (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۳۳) که بیانگر این قانون سرنوشت‌ساز و حرکت‌آفرین است که رمز پیشرفت و پسرفت ملت‌ها به خود مردم بازمی‌گردد؛ به این معنا که هیچ مردمی از بدبختی به خوشبختی نمی‌رسند مگر اینکه عوامل بدبختی را از خود دور سازند، و بالعکس، یک ملت خوشبخت را خدا بدبخت نمی‌کند مگر آنکه خودشان موجبات بدبختی را برای خویش فراهم آورند (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳۶) این اصل در روایاتی یادآوری شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۷۴؛ ج ۸: ۲۵۶).

۴. از آیاتی چنین برمی‌آید که برخی از گناهان سبب محرومیت انسان از نعمت باران می‌شود. لذا، گاهی برای برخورداری از نعمت باران، فرمان به استغفار می‌دهد: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»^۱ (نوح/ ۱۰ و ۱۱؛ نک: هود/ ۳ و ۵۲). در آیه‌ای دیگر، ایمان و تقوا را شرط فراوانی نعمت بیان می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۲ (اعراف/ ۹۶).

باور به تأثیر گناه در محرومیت از برخی از نعمت‌ها از جمله نعمت باران، در سایر ادیان و مذاهب، باوری پذیرفته‌شده است. در تورات آمده است که خداوند به یهودیان

۱. و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است [تا] بر شما از آسمان باران بی‌دری فرستد.

۲. و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند. پس به [کیفر] دستاوردشان [اگر بیان] آنان را گرفتیم.

۳. از نظر قرآن، اقامه محتوای کتاب‌های آسمانی با وفور نعمت‌ها ارتباط دارد (نک: مائده/ ۶۶ و ۶۵).

هشدار داده است اگر به راه خداوند نروند، به بیماری‌ها و بلاهای مختلف دچار خواهند شد. از جمله اینکه، نه چیزی از آسمان می‌بارد و نه چیزی از زمین می‌روید و به عوض باران، گرد و غبار بر آن‌ها نازل خواهد شد (نک: سفر تثنیه، فصل ۲۸، عنوان «لعنت»، ۲۲ تا ۲۴؛ سفر خروج، فصل ۹، عنوان «بلای تگرگ»، ۱۸؛ سفر تثنیه، فصل ۱۱، عنوان «خدا را دوست بدار»، ۱۷). به همین دیدگاه در عهد جدید نیز اشاره شده است: (اول پادشاهان، فصل ۸، عنوان «دعای تقدیس هیکل»، ۳۵؛ دوم تواریخ، فصل ۶، عنوان «دعای تقدیس خانه خدا»، ۲۶ و ۲۷ و ...).

۵. با نگاهی همه‌جانبه به آیات قرآن، این مطلب روشن می‌شود که باوجود پذیرش تأثیر گناه در بروز برخی مشکلات و مصایب برای انسان، همه ناملایمات و دشواری‌هایی که انسان با آن روبه‌رو می‌شود، ناشی از گناه نیست.

خداوند در قرآن از انسان‌های شایسته‌ای یاد می‌کند که در مسیر حق، دچار رنج و محنت شدند (آل عمران/۱۴۶) و حتی جان خودشان را از دست دادند (آل عمران/۱۹۵؛ طه/۷۱)؛ برخی از پیامبران گرفتار آزار و اذیت شدند (توبه/۶۱؛ انبیاء/۶۸، ۸۳، ۸۷ و ۸۹). روشن است که منشأ این گرفتاری‌ها گناه آنان نبوده زیرا گناهی مرتکب نشده بودند (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۲۴۰). گاهی خداوند بر اساس حکمتش روزی را بر پاره‌ای از بندگانش نمی‌گستراند تا پیش‌زمینه ستمکاری آنان مهیا نگردد (شوری/۲۷)، درحالی‌که سرمستان به زندگی دنیا به این فراخی رزق شادمانند (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۹: ۳۸) و بسیاری از مردم از فلسفه تنگی و گستردگی روزی بی‌خبرند (سبأ/۳۶) همان‌گونه که خداوند می‌خواهد با مهلت دادن به کفار (آل عمران/۱۷۸؛ قلم/۴۴ و ۴۵؛ اعراف/۱۸۲ و ۱۸۳)^۱ و برخوردار کردن آنان در سرای دنیا (توبه/۶۹؛ بقره/۱۲۶؛ یونس/۷۰؛ نحل/۵۵) عذابی خوارکننده را در دیگر سرای نصیب آنان نماید (هود/۹۳). از این‌رو، نیامدن باران مانند سایر گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها، ممکن است علت دیگری جز گناه داشته باشد؛ مانند سنت ابتلاء (بقره/۱۵۵ و ۲۱۴؛ آل عمران/۱۶۶ و

۱. البته، برخی را مهلت می‌دهد تا روزی آنان را عذاب استیصال کند (انفال/۵۴؛ حج/۴۴ و ۴۸؛ اعراف/۹۱) یا به دست مسلمانان (توبه/۵۲ و ۱۴) یا لشکریان نامرئی (توبه/۲۶) عذاب می‌کند.

۱۶۷؛ مائده/۹۴؛ قلم/۱۷؛ سنت استدراج و املاء (قلم/۴۴ و ۴۵)؛ سنت امتحان (انبیاء/۳۵؛ اعراف/۱۶۸) و ...

۶. زشتی ظلم و دور بودن ساحت ربوبی از آن، در دهها آیه قرآن به روشنی بیان شده است. از نظر قرآن، نه تنها همه افعال و دستورات خداوند بر بنیان عدل و نفی ظلم استوار است^۱ بلکه به پیامبر (اعراف/۲۹) و مردم (نساء/۵۸ و ۱۳۵؛ نحل/۱۲۶) فرمان می‌دهد از مسیر عدالت و انصاف خارج نشوند و فلسفه ارسال رسل و انزال کتب را قیام مردم به عدالت (حدید/۲۵) می‌داند.

۷. از نظر قرآن، هر کسی مسئول کار خودش است و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد «... وَ لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَيَّ رِيْبُكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (انعام/۱۶۴؛ نک: اسراء/۱۵؛ فاطر/۱۸؛ زمر/۷؛ نجم/۳۸).

با توجه به آنچه گفته شد و نیز این واقعیت که پیامدهای نباریدن باران تنها متوجه حاکمان نیست بلکه بیشتر متوجه مردمی است که به ظاهر در این گناه هیچ نقشی نداشته‌اند، این سؤال پیش می‌آید که چرا باید برای دروغگویی حاکمان، مجازاتی در نظر گرفته شود که اکثریت بی‌گناه را در کنار اقلیت گناهکار مجازات می‌کند و به اصطلاح خشک‌وتر را با هم می‌سوزاند. چگونه است که خداوند در قرآن کسانی را که کوشش می‌کنند زراعت‌ها و چارپایان را نابود کنند فاسد می‌شمرد (بقره/۲۰۵) اما خود برای کیفر دادن گروهی بس اندک، مجازاتی را در نظر می‌گیرد که «حرث و نسل» را نابود می‌کند؟

حتی همه شواهد میدانی نشان از آن دارد که در خشکسالی‌هایی که در گذشته رخ داده یا هم‌اکنون در حال بروز و ظهور است، این تنها مردم عادی و موجودات گیاهی و حیوانی هستند که آسیب می‌بینند و حاکمان با توجه به امکاناتی که دارند، یا از رنج و مصیبت‌های آن در امانند و یا بسیار کم و ناچیز آسیب می‌بینند.

۱. با توجه به روشن بودن نیکویی عدالت و زشتی ظلم از نظر قرآن، به همین مقدار بسنده شد.

بنابراین، از آنچه بیان شد به دست می‌آید که در نگاه اولیه، دلالت مطابقی این فراز از روایت با قرآن ناهمخوان و ناسازگار است هرچند دلالت التزامی آن (محرومیت از نعمت‌ها از جمله باران بر اثر برخی گناهان) فی‌الجمله مورد تأیید آیات قرآن است. البته، روشن است که پاسخ نهایی به این سؤال در گرو بررسی همه ابعاد موضوع، به‌ویژه بررسی روایات است.

۲-۳. در نظر گرفتن سنت‌های تکوینی آفرینش

برای فهم و تحلیل برخی حوادث و رویدادها، توجه به سنت‌های تغییرناپذیر الهی در نظام تکوین، ضرورتی انکارناپذیر است. با توجه به شرایط جوّی و محیطی که بر پایه سنت تکوینی الهی در طبیعت به ودیعت نهاده شده است، برخی مناطق، پربارش و برخی مناطق کم‌بارش یا خشک است. در منطقه شمال ایران که در مسیر بادهای غربی شرقی برخاسته از هوای مرطوب مدیترانه‌ای قرار دارد، باران فراوان می‌بارد و در دامنه جنوبی رشته‌کوه البرز که همچون دیواری در برابر جریان ابرها قرار دارد، باران کم می‌بارد. بنابراین، اگر گفته می‌شود گناه در بروز برخی مشکلات و مصایب مانند خشکسالی، زلزله، سیل، طوفان و... تأثیر دارد، باید با در نظر گرفتن سنت‌های تکوینی الهی مانند شرایط اقلیمی باشد. چه بسا مجازات گناهی در منطقه کم‌باران، که دائماً مردم چشم به آسمان دارند و منتظر آمدن چند قطره باران هستند، بارش کمتر باشد و در مناطق پرباران، همین گناه با مجازات دیگری مانند، باران بیشتر و در نتیجه سیل و از بین رفتن محصولات کشاورزی همراه باشد.

۲-۴. توجه به نقش انسان در بروز حوادث

برخی از حوادث و رویدادهای ناگواری که رخ می‌دهد و به طبیعت نسبت داده می‌شود، نتیجه عملکرد غلط انسان در استفاده از مواهب طبیعت است. نابودی جنگل‌ها و

استفاده بی‌رویه از مراتع و بوته‌زارها به بروز سیل‌های خسارت‌بار منجر می‌شود و ساخت‌وساز در مسیل‌ها به افزایش خسارت‌های آن کمک می‌کند. کوتاهی در استفاده از ابزار و مصالح درست و دارای استحکام و ساخت خانه بر روی گسل‌ها، باعث تلفات بیشتر زلزله می‌شود. رفتارهای نامناسب انسان معاصر با طبیعت، از جمله بی‌توجهی به حفظ و حراست از محیط زیست، سبب پیدایش بسیاری از مشکلات شده یا به تشدید آن‌ها کمک کرده است.

۲-۵. معیار برخورداری و نابرخورداری

افزون بر مطالب پیش‌گفته، از این نکته نباید غفلت کرد که از نگاه قرآن و روایات، بودن ظاهری برخی از نعمت‌ها همچون بارش زیاد، معیار برخورداری نیست؛ از این‌رو که ممکن است به‌خاطر کفران نعمت، سنت استدراج و املاء اعمال شده (اعراف/۲۷؛ قلم/۴۴) و سنت رزق به مقتضای صلاح بندگان به کنار رفته باشد (شوری/۲۷) زیرا که سنت رزق به مقتضای صلاح بندگان، سنتی ابتدایی است که سنت‌های آزمایش، استدراج و املاء بر آن حاکم است؛ یعنی خداوند با برخوردار کردن به‌اندازه بندگان، سنت اصلاح را درباره آنان اجرا می‌کند؛ مگر اینکه انسان بخواهد بندگان را امتحان کند یا اینکه انسان نعمت‌های الهی را تغییر دهد یا ناسپاسی بورزد. پس خداوند سنتش را درباره او تغییر می‌دهد و رزق فراوان به او می‌دهد تا طغیان و سرکشی‌اش را کامل کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸: ۵۷).

آنچه در مفهوم دینی، معیار برخورداری واقعی است با عنوان «برکت» بیان می‌شود. از این‌رو، پاره‌ای از اعمال باعث می‌شود برکت رزق انسان گرفته شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۲۶؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۱۵). مفهوم برکت عبارت است از، استفاده از نعمت در جهت مصلحت فرد. چه بسیار انسان‌هایی که به‌ظاهر از نعمت‌هایی برخوردارند، اما این نعمت ظاهری (آنچه به ظاهر نعمت

دانسته می‌شود مانند: ثروت، امکانات مادی و ... سبب شادمانی آنان در زندگی دنیوی و سعادت اخروی آنان نمی‌شود. در طرف مقابل، کم نیستند کسانی که به‌ظاهر از بسیاری نعمت‌ها محروم یا کم‌برخوردارند اما از همین نعمت به‌ظاهر کم، چنان با خوشی و شادمانی استفاده می‌کنند که بسیاری از افراد متمکن و برخوردار، آرزوی آن را دارند. از این‌رو، در پاره‌ای از ادعیه آمده است: «...اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ بَرَكَهً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ عَذَاباً عَلَى أَعْدَائِكَ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۹۲ و ۲۱۳) یا از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «... مِنْ بَرَكَهٍ الْمَرْأَةِ خِفَّةٌ مَوْتِهَا...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۶۴) یا در روایتی سپری کردن زندگی با سادگی با داشتن یک گوسفند یا یک گاو یا یک شتر، برکت دانسته شده است^۱ تا آنجا که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «الْفَنَاءَةُ بَرَكَهٌ» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ۱۶۰) و روایات دیگری که در همین راستاست (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۳۸، ج ۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۰۹ با توضیحات علامه مجلسی ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۳۴).

۱. برای نمونه در روایتی قابل اعتماد، پیامبر اکرم (ص) به عمه‌اش گوید که چرا در خانه برکت نداری؟ ایشان می‌پرسد که برکت چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «شَاةٌ تُخْلَبُ فَإِنَّهُ مِنْ كَانَتْ فِي دَارِهِ شَاةٌ تُخْلَبُ أَوْ نَعْجَةٌ أَوْ بَقْرَةٌ فَبَرَكَاتٌ كَلْهِنٌ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۶۴۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۵۴۵). (هر چند برخی سند حدیث را ضعیف ارزیابی نمودند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲: ۴۶۵) ولی به نظر می‌رسد که سید روایت قابل اعتماد باشد زیرا سند حدیث این‌گونه است «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ...» که در عده‌ی من اصحابنا عن احمد بن محمد بن محمد بن خالد، افراد ثقة مانند علی بن ابراهیم بن هاشم وجود دارند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰) و احمد بن محمد بن خالد هم امامی و ثقة است (همان: ۷۷) و ابن‌ابی‌نجران که نام او در المحاسن، عبدالرحمن است نجاشی درباره‌اش «ثقة ثقة» گفته است (همان: ۱۱۴ و ۲۳۶) و ابی‌جمیله، که نام او مفضل بن صالح است؛ هر چند این‌غضائری او را «ضعیف کذاب یضع الحدیث» خوانده (ابن‌غضائری، ۱۳۶۴، ج ۱: ۸۸) و نجاشی او را مختلط می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۹) ولی به جهت کثرت روایاتی (۲۰۳ روایت) که مرحوم کلینی از او در الکافی نقل نموده (ر.ک: نرم‌افزار درایه‌النور) و روایت نمودن بیش از ۳۰ نفر از اجلاء (مماقانی، بی‌تا، ج ۳: ۲۳۸)، اصحاب اجماع و مشایخ ثقات از ایشان مانند احمد بن محمد بن ابی‌نصر بنظمی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۱، ۱۱۲، ۱۴۸، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۳، ۴۱۵ و ...) و ... و نقل روایات درست و استواری که ایشان ناقل آن‌ها است (علیاری تبریزی، ۱۴۱۲ق، ج ۷: ۷۰) و به‌ویژه بی‌اعتبار بودن تضعیفات ابن‌غضائری در نقل روایاتی که مفضل بن صالح از جابر بن یزید جعفی دارد زیرا ایشان مسائلی غلو گونه را مطرح کرده است (<http://zanjani.net/> articleid=70654&index=99) و فراین دیگر (ر.ک: نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۴۷۵) نباید در روایات ایشان مناقشه نمود. ۱۳۹۷/۸/۱ <http://zanjani.net/index.aspx?pid=70654&articleid=99>) و جابر بن یزید جعفی هر چند درباره توثیق یا تضعیف او اختلاف شده است (برای نمونه برای توثیق ر.ک: کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۹۲ و برای تضعیف ر.ک: همان: ۱۹۱) ولی ایشان نه تنها امامی بوده بلکه از خلفای پیش از امام علی (علیه السلام) و بنی امیه تبری جسته و محدثان و رجالیان متاخر امامی عموماً درصدد توثیق ایشان برآمده‌اند و روایاتی را که در نگاهش ایشان وارد آمده، توجیه کرده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۱۵۵) بنابراین این روایت قابل اعتماد است.

۲. جمع بندی

با توجه به آنچه گفته شد، اصل تأثیر گناه به عنوان علت ناقصه بر کاهش بارش، همخوان و سازگار با آیات قرآن و روایات است؛ اما اینکه دروغگویی حاکمان به عنوان بخشی از علت، باعث نیامدن باران و در نتیجه مجازات بی گناهان است، به ظاهر با آیات و روایات همسویی ندارد. بنابراین، درباره این فقره از روایت، دوراه پیش‌رو داریم:

الف) با توجه به نبود این روایت در منابع اولیه حدیثی (هرچند بر پایه معیارهای رجالی صحیح است)، نبود آیه یا روایتی مشابه آن در مجامع روایی شیعه و نیز ناهمخوانی محتوایی آن با آیات قرآن و روایات، از آن دست برداریم.

ب) با توجه به درستی سند روایت، آن را بپذیریم اما از آنجاکه مجازات اکثریت بی گناه به علت دروغگویی اقلیت حاکم، با آیات و روایات سازگار نیست، آن را این گونه توجیه کنیم که این روایت در صدد بیان این مفهوم است که مردم وظیفه دارند در صورت خطا بودن کار حاکمان، در نهان و آشکار نسبت به آن‌ها خیرخواهی کنند (نهج البلاغه: خطبه ۳۴) و این را وظیفه‌ای بزرگ و واجب بشمارند (همان: خطبه ۲۱۶) و در صورتی که گناهی آشکارا و خطایی روشن از آن‌ها دیدند، در حدّ توان آن‌ها را از گناه، برحذر دارند (همان: حکمت ۳۷۴) هرچند با برخورد اخم‌آلود با آن‌ها باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۹). اگر جامعه‌ای به وظیفه خود در برابر حاکمان فاسد قیام نکند و امر به معروف و نهی از منکر را که برترین اعمال است، ترک کند و به آنان، اجازه دهد به رفتارهای ناپسند خود از جمله دروغگویی ادامه دهند، بدون تردید هر دو گروه (حاکمان و مردم) سزاوار بلا و گرفتاری خواهند بود (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۲۲)؛ همچنان که اگر امر به معروف و نهی از منکر کردند، همه (اعم از آمران و کسانی که به آنان امر شده) مورد رحمت الهی قرار می‌گیرند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ... أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه/۷۱).

کلمه «رحمت» در آیه شریفه دارای مفهومی بسیار وسیع است که هرگونه خیر،

برکت و سعادت را در این جهان و جهان دیگر، در برمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۷). یکی از مصداق‌های رحمت، باران است (اعراف/۵۷؛ فرقان/۴۸).

این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که این سخن را امام (علیه السلام) در شرایطی بیان فرمودند که حاکمان فاسد عباسی بر سرنوشت جامعه حاکم بودند و به‌رغم اینکه مردم تبهکاری آنان را می‌دیدند، به وظیفه خود در برابر آنان عمل نمی‌کردند؛ گویا امام می‌خواهد جامعه را از سوئی متوجه فساد و دروغ‌گویی دستگاه حاکم کند و از دیگر سو مردم را نسبت به وظیفه‌ای که برعهده دارند، هشدار دهد. به عبارتی این عبارت روایت، قضیه‌ای خارجی است بدین معنا که هر گاه این شرایط وجود داشته باشد (حاکمان به فساد آشکار مشغول باشند و مردم باوجود آگاهی از آن، اعتراض نکنند) این عذاب را خواهد داشت، چنان‌که امام حسین (علیه السلام) فرمود: «...أَمَا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۳۸۲). بنابراین این جمله قضیه‌ای حقیقی نیست که هر گاه حاکمی دروغ گفت، خداوند همگان را به خاطر گناه او مجازات کند.

یادکرد این نکته در فرجام سخن سزای است که در روایات وارده شده یک «بلا» ممکن است ابعاد گوناگون داشته باشد. برای ظالم جنبه تأدیب، برای مؤمن، امتحان، برای انبیاء (و معصومان) درجه و برای اولیا، کرامت باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴: ۲۳۵؛ ج ۷۸: ۱۹۸).^۱ بر این اساس، می‌توان گفت در صورت دروغ‌گویی حاکمان و بروز بلای خشکسالی و بی‌بارانی، این بلا برای کسانی که از این منکر آگاهی داشتند و نهی از منکر نکردند یا اگر هم اطلاع نداشتند اما می‌توانستند اطلاع پیدا کنند و زحمت آگاهی از آن را بر خود هموار نکردند، عذاب باشد (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶). برای

۱. مصیبت گاهی جنبه آزمایش دارد در صورتی که مصیبت‌زده انسان یا ملت صالح باشد (ر.ک: آل عمران/۱۴۰؛ عنکبوت/۳) و گاهی جنبه عقاب و مواخذه دارد. اگر مصیبت‌زده بدکار باشد (ر.ک: غافر/۲۱)؛ کاملاً روشن است. این در صورتی است که مصیبت‌دیده از زمره معصومان یا اولیای الهی نباشد و گر نه بعد افزایش درجه و کرامت مطرح است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴: ۲۳۵؛ ج ۷۸: ۱۹۸).

مردمان عادی مستضعفی که از جریان دروغ‌پردازی در بدنه حاکمیت بی‌خبر بوده و دروغ آن‌ها را راست می‌پنداشتند، جنبه امتحان و برای آگاهانی که نهی از منکر نموده و وظایف خود را در این راستا انجام دادند، جنبه افزایش درجه و کرامت دارد..

نتیجه‌گیری

۱. هرچند این روایت یک طریق بیشتر ندارد و در منابع قبل از قرن پنجم دیده نمی‌شود، بر پایه وثوق مخبری، متصل و صحیح ارزیابی می‌شود.
۲. دروغ‌گویی حاکمان تنها یک عامل (جزء علت نه علت تامه) عدم بارش است و در کنار آن از سایر عوامل و نیز سنن تکوینی الهی نباید غفلت کرد.
۳. هنگامی مردم بر اثر دروغ‌گویی حاکمان به بلای خشکسالی دچار می‌شوند که از دروغ‌گویی حاکمان اطلاع داشته باشند و در برابر آنان امر به معروف و نهی از منکر نکنند .
۴. بلاها برای عده‌ای تأدیب، برای پاره‌ای امتحان و برای شماری، افزایش درجه و کرامت است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه. (۱۴۱۴ق). تحقیق: صبحی صالح. چاپ اول. قم: هجرت.
- ابن اشعث، محمد بن محمد. (بی تا). الجعفریات. چاپ اول. تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. تحقیق: علی اکبر غفاری. چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۸۵). علل الشرائع. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تحقیق: مهدی لاجوردی. چاپ اول. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۷۶). الا مالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. تحقیق: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- ابن غضائری. (۱۳۶۴). الرجال. تحقیق: محمدرضا حسینی. چاپ اول. قم: دارالحدیث.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. تحقیق: جلال الدین محدث. چاپ دوم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- حاجی خانی و جلیلیان. (۱۳۹۵). «اواکوی عوامل معنوی بارش باران از نگاه قرآن». پژوهشنامه معارف قرآنی. س. ۷. ش. ۲. صص: ۳۳ - ۵۴.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حکمت پناه، منیره. (۱۳۹۱). «بررسی علل وقوع بلایا و حوادث طبیعی از دیدگاه قرآن و احادیث». همایش ملی آسیب شناسی و برنامه ریزی اثرات زلزله ۲۱ مرداد ۹۱ در استان آذربایجان شرقی. هریس. دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). الجامع الصغیر. بی جا: بی نا.
- شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. چاپ اول. نجف: مطبعه حیدریه.
- رستمی، محمد حسن. (۱۳۸۹). «باران در روایات». علوم حدیث. ۱۳۸۹. ش. ۵۸. صص: ۱۶۰ - ۱۷۳.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). الأ مالی. تحقیق: مؤسسه البعثة. چاپ اول. قم: دارالتقافة.
- _____ (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول. تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی. چاپ اول. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- _____ (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد. چاپ اول. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- علیاری تبریزی، علی بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال. تصحیح: جعفر حائری و دیگران. چاپ دوم. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر. اعداد: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء

التراث العربي.

- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق: حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. تحقیق طیب موسوی جزایری. چاپ سوم. قم: دارالکتاب.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). *کنز الفوائد*. تحقیق: عبدالله نعمه. چاپ اول. قم: دارالذخائر.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). *رجال الکشی*. چاپ اول. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تصحیح و تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مامقانی، عبدالله. (بی تا). *تفصیح المقال فی علم الرجال (رحلی)*. چاپ اول. بی جا. بی نا.
- متقی هندی. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأتوال والأفعال*. تحقیق: بکری حیانی. چاپ پنجم. بی جا: موسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. تحقیق: جمعی از محققان. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*. چاپ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). *امامت و رهبری*. چاپ سوم. قم: صدرا.
- _____ (۱۳۷۲). *مجموعه آثار شهید مطهری*. چاپ هشتم. قم: صدرا.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الأمالی*. تحقیق: حسین استاد ولی. علی اکبر غفاری. چاپ اول. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی بجنوردی، سید کاظم. (۱۳۸۸). *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱۷. تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*. چاپ ششم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه.
- نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۶ق). *مستدرکات علم رجال الحدیث*. چاپ اول. تهران: فرزند مولف.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. تحقیق: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام). چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

- Good News Bible. (1992). *The Old Testament*. United Bible Society.